



نگاهی به زندگی و

1

ولا يتعهدى اما مريضاً

زائر صنوی

سروشنامه: امینی، محمدعلی، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به زندگی و ولایتعهدی امام رضا (ع)/ محمدعلی امینی

مشخصات نشر: مشهد، به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۱۳۲ ص.

فروست: مشهد، به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، ۱۸۳۶. ژائر رضوی: ۱.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۲۶۱-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۷ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۵۱۵۳ - ۲۰۳ ق. -- ولایتعهدی

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۵۱۵۳ - ۲۰۳ ق. -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ن ۱۸۲ الق/ ۳۵/ ۳۴۴۷ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۷۵۵۲



زائر رضوی / ۱

۱۸۳۶

نگاهی به زندگی و ولایتعهدی امام رضا

محمد علی امینی

ترجمه: جواد میزبان

طرا، چاپ، به نشر

صفحه ۱۰۰ | محد، جعفر

نوبت چاپ | ۱۹۵۰

شمارگان | ۵۰۰

قطع | پالتویی

چاپ | مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شابک | ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۲۶۱-۴

این کتاب در قطع رقعی ۴ نوبت به چاپ رسیده است.

حق چاپ محفوظ است.

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

قیمت | ۷۰۰۰۰ ریال

دفتر مرکزی | مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد | ص.ب. | ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹

تلفن و دورنگار | ۳۷۶۵۲۰۰۸

دفتر تهران | تلفن و دورنگار | ۸۸۹۶۰۴۶۶

نشانی اینترنتی | www.behnashr.com | پست الکترونیکی | publishing@behnashr.com

فهرست مطالب

۷	مقدمه
	فصل اول
۱۵	زندگی گذرا؛ زندگی امام هشتم (علیه السلام)
۱۵	ولادت القاب حضرت
۱۸	پدر و مادر گرامی امام
۲۱	امامت هشتمین خورشید آسمان ولایت
۲۶	زندگی در دورس هارون الرشید
۳۲	مختصری از فضایل اخلاقی امام رضا (علیه السلام)
	فصل دوم
۴۰	چرا مأمون طرح ولایتعهدی را مطرح ساخت؟
۴۱	مأمون، خلیفه زیرک عباسیان
۴۶	چگونگی واگذاری حکومت خراسان به مأمون
۵۳	تصاحب خونین خلافت
۵۹	نهضت ابن طباطبای علوی
۶۴	گسترش قیام‌های علویان
۶۷	ولایتعهدی؛ سیاست مدارا و نیرنگ

فصل سوم

- ۷۵ اجرای طرح ولایتعهدی توسط مأمون و هدف‌های آن
- ۷۶ نقش فضل بن سهل در پیشنهاد ولایتعهدی به امام از جانب مأمون
- ۷۹ نقش مأمون در طرح ولایتعهدی
- ۸۵ مأمون، امام رضا (ع) را مجبور به پذیرش ولایتعهدی نمود
- ۹۱ انگیزه مأمون از طرح ولایتعهدی
- ۱۰۲ موضع‌گیری امام در برابر پذیرش ولایتعهدی
- ۱۰۹ شکست و ناکامی مأمون
- ۱۱۴ شهادت امام رضا (ع) و فرجام ولایتعهدی
- ۱۱۵ مرگ فضل بن سهل
- ۱۲۷ کتابنامه

مقدمه

عباسیان در سال ۱۳۲ هـ ق روی کار آمدند و بر تخت خلافت نشستند. آنان در دوران حاکمیت بنی‌امیه فعالیت سیاسی چندانی نداشتند، اما حادثه‌ای باعث شد در مسیر مبارزاتی سازمان‌یافته بر ضد امویان، ایستادند. رهبری این مبارزه با «عبدالله بن محمد» معروف به «ابوهاشم» بود. وی فرزند محمد بن حنفیه است که پس از وفات پدر، به یکی از گروهی از شیعیان را بر عهده گرفت. هدف عمده این گروه، روشننگری مردم و جلب توجه به آنان به حقانیت خاندان پیامبر ﷺ و در نهایت فروپاشی حاکمیت خاندان بنی‌امیه بود. روش مبارزه آنان، سازمان‌یافته و به شکلی مخفیانه صورت می‌گرفت؛ با این حال، در زمان خلافت سلیمان بن عبدالملک، اسرارشان برملا شد و ابوهاشم به شام - مرکز خلافت اموی - فراخوانده شد. وی را هنگام بازگشت از شام،

دست‌نشانندگان بنی‌امیه مسموم کردند؛ از این‌رو مجبور شد به محل سکونت خاندان عباسی در منطقه حمیمه برود. بیماری ابوهاشم شدت گرفت و او پیش از مرگ، اسرار مبارزه و تشکیلات سازمانی آن را با «محمد بن علی عباسی» در میان گذاشت.

بدین ترتیب، خاندان عباسی که در حالت انزوا و گوشه‌گیری در منطقه‌ای دورافتاده از سرزمین شام به سر می‌بردند، در جریان مبارزه علویان و تشکیلات آن قرار گرفتند.

محمد بن علی از سال ۱۰۰ هـ.ق با فرستادن افرادی به مناطق مختلف از جمله خراسان، نمایندگان ابوهاشم را که از سون‌خواران و پیش از مرگ معرفی شده بودند، پیدا کرد و رهبری مبارزه را بر عهده گرفت. وی با تدبیر و سیاست، توفیق یافت بر آن ضد اموی شیعیان را به نفع خاندان عباسی هدایت کند؛ در نهایت، در سال ۱۳۲ م.ق، وقتی حاکمیت اموی صحنه قدرت را ترک کرد، برخلاف انتظار عموم، این خاندان عباسی بودند که جای آن‌ها را گرفتند و بار دیگر خاندان پیامبر (ص) از حاکمیت ملت اسلامی محروم ماندند!

بنابراین، در دوره حاکمیت عباسی، رسالت ائمه اطهار (ع) به‌منظور حفظ و حراست از دین اسلام، اهمیت خاصی به‌خود گرفت. عباسیان، نه تنها در برخورد با علویان مدارا نکردند، بلکه با شدت و خشونت بیشتری ستیزه‌جویی با خاندان پیامبر (ص) را آغاز نمودند. در این دوره، به علت گسترش فرقه‌های کلامی و گرایش‌های منحرف سیاسی و

مذهبی که گاه از سوی خلافت نیز حمایت می‌شد، وظیفه ائمه اطهار علیهم‌السلام در حفظ دین، سنگین‌تر به نظر می‌رسید. خلفای عباسی در راه ایجاد مانع در مسیر هدایت و روشنگری ائمه علیهم‌السلام از هیچ کوششی فروگذار نکردند؛ از این‌رو، برای مقابله با آنان به طرح‌ریزی شیوه‌های مختلفی اقدام کردند: منصور دوانیقی، امام صادق علیه‌السلام را همواره به مرکز خلافت فرامی‌خواند؛ هارون الرشید، امام موسی کاظم علیه‌السلام را به مدت طولانی زندانی کرد تا ارتباط امام را با جامعه طع کند. محمد امین، خلیفه عیاش عباسی، فرصت چندانی برای ستیزه جویی با علی بن موسی الرضا علیه‌السلام نیافت. خلافت زودگذر او به سبب جنگ داخلی با عبدالله مأمون، سراسر به آشوب افتاد. گنگ است؛ تا این‌که عبدالله مأمون با کنار زدن محمد امین در سال ۱۹۸ هـ.ق، خلافت را از آن خود کرد. مأمون در ادامه با گسترش تشیع و محبوبیت روزافزون خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شیوه‌ای کاملاً متفاوت از دیگر خلفای عباسی در پیش گرفت؛ از به جای خشونت و سرکوبی علویان، سیاست نیرنگ‌آمیز مدارا را پیشه ساخت. روش مأمون در برخورد با ائمه اطهار علیهم‌السلام در دوره حکومت امویان و خلفای پیشین عباسی سابقه نداشت. خلیفه زیرکی عباسی بقای حاکمیت خویش را در مدارا با علویان می‌دید. از این‌رو، طرح نزدیک ساختن محبوب‌ترین شخص خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به دربار خلافت، طرح‌ریزی کرد. نخست، امام علی بن موسی علیه‌السلام را از مدینه به مرو فراخواند و سپس ایشان را مجبور به پذیرش ولایتمهدی نمود. این اقدام مأمون از یک‌سو و برخورد احترام‌آمیزی که با علویان داشت

از سوی دیگر، باعث اختلاف نظر محققان و قضاوت‌های مختلف درباره شخصیت و انگیزه وی از این تغییر رفتار گردیده است. در این ارتباط می‌توان چند احتمال و فرضیه تحقیقی را ارائه کرد:

فرض نخست این است که وزیر مأمون، فضل بن سهل، را عامل این تغییر سیاست بدانیم. مأمون هنگام تصاحب حکومت خراسان پس از وفات هارون الرشید، تنها ۲۲ سال سن داشت. او به تحریک و تشویق فضل بن سهل، با بزرگان خراسان طرح دوستی ریخت و خوش رفتاری با مردم را شیوه حکومت خویش قرارداد. فضل، در راستای جست‌وجوی مردم و طرفداران خاندان علوی که در خراسان کم نبود، طرح ولایتعهدی علی بن موسی (ع) را به مأمون پیشنهاد کرد. او نیز هیچ مخالفتی آن را پذیرفت و به مرحله اجرا درآورد.

فرض دوم این است که طرح ولایتعهدی را از ابتکارهای خود عبدالله مأمون بدانیم. در این صورت نیز چند احتمال وجود دارد که انگیزه وی را از این اقدام و منافع احتمالی خلافت را مورد اشاره قرار می‌دهد.

احتمال اول، مأمون را خلیفه‌ای شیعه‌مذهب می‌داند که امام رضا (ع) را با صدق نیت به مرو فراخوانده است. مأمون تصمیم داشت خلافت را به امام رضا (ع) واگذار کند؛ ولی در پی مخالفت امام، ولایتعهدی را به ایشان واگذار کرد. در این صورت، خلیفه در وفات امام هیچ نقشی ندارد و حضرت پیش از قرار گرفتن در منصب خلافت به سال ۲۰۳ ه.ق، به مرگ طبیعی وفات یافته است. احتمال

دوم، ضمن تأیید صداقت مأمون در واگذاری ولایتعهدی به علی بن موسی علیه السلام، بر این نکته تأکید دارد که نارضایتی عباسیان از این اقدام (ولایتعهدی امام رضا علیه السلام) و ترس آنان از انتقال خلافت به علویان، موجب شورش و ناآرامی در بغداد شد. مأمون بناچار از رأی خود درباره ولایتعهدی عدول کرد و هنگام عزیمت به بغداد، امام رضا علیه السلام را به شهادت رساند. در کنار دو احتمال یادشده، به یک احتمال سوم هم می‌توان اشاره کرد: مأمون از همان ابتدا - چه به شارت فضل بن سهل و یا به رأی خودش - هیچ صداقتی در فراخی امام رضا علیه السلام به خراسان نداشت؛ اوضاع سیاسی و اجتماعی حکم می‌کرد که او را مجبور به اتخاذ این سیاست کرد. او در پی نارضایتی و رسی از خلافت عباسی و قیام‌های متعدد علویان، به یک چار اندیشی جدید و تدبیری تازه نیاز داشت؛ بنابراین، به فراخوانی امام رضا علیه السلام به مرو - مرکز خلافتش - و تعارف و آگاهی‌داری خلافت به ایشان بر آن بود تا رضایت عمومی علویان و اقبال بی‌امنی آنان را به حکومت خویش فراهم آورد. طرح ولایتعهدی و اجرای آن، به همین دلیل صورت گرفت.

آنچه در کتاب حاضر مورد بررسی قرار گرفته، پرداختن به فرضیات یادشده و تثبیت احتمال سومی است که به آن اشاره شد. در فصل نخست کتاب، ابتدا درباره زندگی علی بن موسی علیه السلام پیش از فراخوانی ایشان به مرو و طرح مسئله ولایتعهدی، به‌طور گذرا مطالبی بیان شده است. همچنین در این فصل، به برخی از فضایل و کرامات رضوی و اخلاق پسندیده حضرت - به‌عنوان قطره‌ای از دریا - اشاره می‌شود.

فصل‌های دوم و سوم کتاب که مطالب اصلی را شامل می‌شوند، به دنبال اثبات این نکته‌اند که آنچه مأمون را وادار به طرح مسألة ولایتعهدی و پذیرش آن توسط امام رضا (ع) کرد، چیزی جز سیاست و مصلحت‌اندیشی خلیفه زیرک عباسی نبود. اثبات این احتمال، به بررسی و تحلیل و ردّ برخی احتمالات نیاز دارد. بنابراین، سعی شده است در فصل سوم، احتمال دخالت فضل بن سهل (وزیر مأمون) در واگذاری منصب ولایتعهدی به امام رضا (ع) و همچنین صاقیت مأمون در امر واگذاری ولایتعهدی به آن حضرت، مورد مناقشه قرار گیرد.

در این مورد، اسناد کتاب در اثبات احتمال سوم و نفی دیگر احتمالات، با استناد بر منابع تاریخی استوار است. نکته قابل تأمل در این باره این است که منظور از منابع تاریخی در تحقیقاتی که به بررسی ائمه اطهار (ع) پرداخته‌اند، کتاب‌های صرفاً تاریخی مانند منبع عمومی تاریخ اسلام نیستند. از این گونه منابع نمی‌توان اطلاعات دقیق، جامع و قابل اعتمادی درباره احوال و سیره معصومین (ع) انتظار داشت. ماهیت این نوع کتاب‌ها با چنین انتظاری سازگار نیست؛ بنابراین، برای جمع‌آوری اطلاعات درباره زندگی ائمه اطهار (ع)، علاوه بر منابع تاریخی باید به کتاب‌های حدیث و فقه که نزد علمای شیعه از اعتبار کافی برخوردارند، مراجعه کرد.

بر اساس این ضرورت، در کتاب حاضر، هم از منابع عمومی تاریخ اسلام و هم از کتاب‌های فقه و حدیث استفاده شده است. منابع فصل دوم کتاب که اوضاع سیاسی

خراسان را پیش از حکومت مأمون و اوایل حکومت وی بر این سرزمین نشان می‌دهد، به‌طور عمده منابع تاریخی هستند. اما در فصل اول به‌منظور انعکاس زوایایی از زندگانی و فضایل حضرت رضا (علیه السلام)، کتاب‌های حدیثی و فقهی شیعه مورد استناد قرار گرفته‌اند. در تدوین فصل سوم نیز تلفیقی از این دو نوع منابع دیده می‌شود.

علاوه بر منابع تاریخی و حدیثی که از منابع دست اول در رشته حاضر به شمار می‌روند، برخی از کتاب‌های تحقیقی ربی و فارسی که در دوره‌های اخیر به مسأله ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) پرداخته‌اند، هم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هدف از مطالعه این منابع به این کتاب‌ها، آشنایی با نظریات محققان و نویسندگان پیر درباره اقدام‌های مأمون و در صورت لزوم نقد و ارزیابی آنهاست.

امید آن که کتاب حاضر رضایات خوانندگان فاضل و عموم علاقه‌مندان به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) را فراهم آورد و سبب خشنودی خداوند متعال و ائمه معصومین (علیهم السلام) شود.

وَمِنَ اللَّهِ الْوَفَاءُ وَالنَّهْ

محمّد علی امینی - مشهد مقدس